Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 15, No. 2, 2026
Research Paper

The Role of Image Schemas in Conceptualizing Moral Attributesof Surah s Mosabbahat

Roghaye Habib Pour godarzi, Mohammad Mahdi Shahmoradi Fereidoni*, Mohammad Sharifi

M.A. in Qur'an and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
Associate professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
Associate professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran- Associate Professor Department of The Teachings of Ahl Al-Bayt, Faculty of Theology and Ahl Al Bayt, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Through Image schema, communication is established between our physical experiences and more complex cognitive domains such as language. Image schemas are among the most important mechanisms for receiving the hidden concepts of the Qur'an and a tool for analyzing its meanings. Moral concepts include values and avoiding undesirable behavior. In this study, using the descriptive-analytical method and library information collection, moral attributes in Surahs Mosabbahat were examined using the image schema mechanism to clarify the effect and application of various image schemas on the audience, and to answer these questions, how are material and visual experiences explained in the conceptualization of the verses of moral attributes in Surahs Mosabbahat? And image schemas, in what concepts of moral attributes are raised in Surahs Mosabbahat? The results showed that the attributes of stinginess, humility, keeping one's promise, debauchery, abandoning stinginess, shame, pride, insulting parents, honesty, altruism, justice, mockery, envy, and cruelty are depicted with image schemas in Surahs Mosabbahat. In the conceptualization of the attributes of pride and arrogance, three schemes of container, path, and force are used together. In the conceptualization of the attribute of depravity, two schemes of path and force are used, and for the attributes of humility, avarice, and faithfulness, two schemes of path and container are used together.

Keywords: Cognitive linguistics, Image schema, Moral attributes, Surahs Mosabbahat.

This is an open access article under the CC- BY 4.0 License (Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

https://doi.org/10.22108/nrgs.2025.142072.1968

پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال پانزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی (۳۰)، ۱۴۰۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶
صص: ۱۰۰– ۸۱

مقاله پژوهشی

کارکرد طرحواره‌های تصویری در مفهوم‌سازی صفات اخلاقی سور مسبحات

رقیه حبیب پور گودرزی [۱]، محمد مهدی شاهمرادی فریدونی [۲*]، محمد شریفی [۳]

۱- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
habibpourgoodarzi@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
mm.shahmoradi@umz.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران- دانشیار گروه معارف اهل‌البیت (ع)، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (مأمور)
m.sharifi@yazd.ac.ir, mo.sharifi@theo.ui.ac.ir

چکیده

میان تجربیات فیزیکی ما با حوزهٔ شناختی پیچیده‌تری مانند زبان به واسطهٔ طرحواره‌های تصویری امکان ارتباط فراهم می‌شود. طرحواره‌های تصویری از جملهٔ مهم‌ترین سازوکارها برای دریافت مفاهیم پنهان قرآن و ابزاری برای تحلیل معانی آن هستند. مفاهیم اخلاقی مشتمل بر ارزش‌ها و دورشدن از کردارهای ناپسند هستند. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، صفات اخلاقی در سور مسبحات با سازوکار طرحواره‌های تصویری بررسی شده‌اند تا تأثیر و کاربرد انواع طرحواره‌های تصویری بر مخاطب روشن شود و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که تجربیات مادی و تجسمی در مفهوم‌سازی آیات صفات اخلاقی در سور مسبحات چگونه تبیین می‌شوند؟ و طرحواره‌های تصویری در چه مفاهیمی از صفات اخلاقی سور مسبحات مطرح شده‌اند؟ نتایج نشان داد صفات بخل، فروتنی، وفای به عهد، فسق، ترک بخل، شرم، غرور، اهانت به والدین، صدق، انفاق، عدل، تمسخر، حسد و ظلم با طرحواره‌های تصویری در سور مسبحات تصویرسازی شده‌اند. در مفهوم‌سازی صفت کبر و غرور از سه طرحوارهٔ حجمی، حرکتی و قدرتی با هم و در مفهوم‌سازی صفت فسق از دو طرحوارهٔ حرکتی و قدرتی و برای صفات تواضع و فروتنی، بخل و وفای به عهد نیز از دو طرحوارهٔ حرکتی و حجمی با هم استفاده شده است.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، سور مسبحات، صفات اخلاقی، طرحوارهٔ تصویری، مفهوم‌سازی.

۱- طرح مسأله

زبان ابزاری برای سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات در زبان‌شناسی شناختی است و برای تحلیل مفهومی و تجربی مقوله‌های زبانی، زبان‌شناسی شناختی اهمیتی ویژه دارد. این رویکرد (سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات)که در سه دههٔ اخیر در زبان‌شناسی مورد توجه فزاینده قرار گرفته است، زبان را نمودی از ساخت تصوری ذهن می‌داند. زبان‌شناسی شناختی بر این نکته تأکید دارد که هر تعبیری بر مفهوم‌سازی خاصی مبتنی شده است؛ بنابراین، می‌توان از یک موقعیت تعبیرهای

*نویسنده مسئول

زبانی گوناگونی را ارائه داد. هرچند این تعبیرها یک موقعیت را نشان می‌دهند، تفاوت‌هایی مهم میان آنها وجود دارند؛ بنابراین، اصل مفهوم‌سازی به تفاوت‌های عمیق موجود میان تعبیرهای گوناگون از یک موقعیت اشاره دارد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰ش، ص۲۹) «زبان‌شناسی شناختی»[1] مکتبی پیشرفته در زمینهٔ تفکر زبانی است که در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ ظهور یافت. (دستلان، ۱۳۹۳ش، ص۱٦) زبان‌شناسی شناختی رویکردی معنابنیاد است و مجموعه‌ای از نظریه‌ها را شامل می‌شود که استعارهٔ مفهومی و طرحوارهٔ تصویری[2] از مهم‌ترین آنها هستند (Lakoff, 1993, p. 202). نخستین بار اصطلاح طرحوارهٔ تصویری به طور هم‌زمان در دو کتاب *بدن در ذهن*[3] اثر مارک جانسون[4] و *زن‌ها، آتش و اشیای خطرناک*[5] اثر جورج لیکاف[6] در سال ۱۹۸۷ میلادی مطرح شد (Jonson, 1987). از دیدگاه آنها، حرکات بدنی انسان و ارتباط حسی‌شان با دنیای اطراف متضمن پیروی از مدل‌های تکرارشونده است که طرحوارهٔ تصویری نامیده می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰ش، ص٥٦). علوم شناختی سعی دارد تا با تبیین رابطهٔ میان شناخت انسان و پدیده‌های پیرامونش، نحوهٔ تعامل با این پدیده‌ها و دست‌یابی به درکی بهتر از آنها را با استفاده از رویکردی تجربه‌محور ارائه کند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹٤، ص۹). همچنین، نخستین بار لیکاف و جانسون این پرسش را مطرح کردند که پیچیدگی نظام مفهومی ما از کجا ناشی می‌شود. پاسخ آنها به این پرسش این بود که پیچیدگی نظام مفهومی نتیجهٔ ارتباط ویژگی‌های جسمی ما و انواع مفاهیمی است که می‌توانیم بسازیم؛ زیرا نظام مفهومی ما چیزی نیست که معمولاً نسبت به آن هوشیار باشیم. بیشتر اموری که در زندگی روزمره انجام می‌دهیم، کمابیش به صورت خودکار و بر اساس الگوهای ذهنی شکل‌گرفته از تجربیات گذشته انجام می‌شوند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹٤، ص۱۰).

در کاربرد اصطلاح طرحواره‌های تصویری، بر مبنای ظاهر این عبارت، کلمهٔ تصویری بیشتر به دریافت بصری و عینی محدود می‌شود؛ ولی در زبان‌شناسی شناختی، این مفهوم کاربردی وسیع‌تر دارد و همهٔ تجربیات دریافتی ـ حسی مانند نظام حسی شنیداری، بویایی، دیداری و ... را شامل می‌شود که گاهی به آن تجربهٔ حسی هم گفته می‌شود (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۱ش، ص۸٤)؛ بنابراین، این طرحواره‌ها برخاسته از تجربه‌های حسی و مراحل ابتدایی رشد انسان شکل می‌گیرند؛ زیرا کودک انسان با جهانی از روابط بین پدیده‌های اطراف خود روبه‌روست و قادر به تجسم فرایندهای زبانی با ارتباط متقابل فیزیکی ـ اجتماعی است (توکل‌نیا و حسومی، ۱۳۹۵ش، ص۵۱).

طرحواره‌های تصویری به سه نوع «حجمی»[7] که به پدیده‌های مادی حجم می‌دهد و آنها را قابل تصور می‌کند؛ «حرکتی»[8] که به پدیده‌ها، مانند جانداران قابلیت حرکت می‌دهد و «قدرتی»[9] که پدیده‌ها را دارای قدرت تفکر، تکلم و جز آن می‌پندارد، تقسیم شده است که هر کدام به نوعی به پدیده‌های مختلف روح و معنا می‌بخشد (محمدی و جمشیدی، ۱۳۹۹ش، ص٦۸).

طرحواره‌های تصویری از جملهٔ مهم‌ترین سازوکارها برای دریافت مفاهیم پنهان قرآن و ابزاری برای تحلیل معانی آن هستند (سلیمی و علی نتاج، ۱۳۹٦ش، ص۵۸) و به انسان‌ها برای ساخت تصویرهایی متفاوت در ذهن به منظور فهم آیات کمک می‌کنند تا بر اساس آن تصویرها، آموزه‌های الهی را در زندگی به کار گیرند و به سعادت نهایی که هدف خلقت است، دست یابند (محمدی و جمشیدی، ۱۳۹۹ش، صص٦۸-٦۹). یکی از عوامل مهم

[1] Cognitive linguistic
[2] Image Schemas
[3] The body in the mind
[4] Mark johnson
[5] women, fire and dangerous things
[6] Jeorge lakoff
[7] Container schema
[8] Path schema
[9] Force schema

برخورداری از سعادت دنیا و آخرت داشتن اخلاق نیکو و دوری از صفات ناپسند اخلاقی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ش، ص۲۸). مفاهیم اخلاقی مجموعه‌ای مشتمل بر ارزش‌ها و در بردارندهٔ دستورهایی برای اتصاف به خوی‌های نیک و انجام‌دادن اعمال پسندیده و دوری‌گزیدن از خوی‌ها و کردارهای ناپسند هستند (جانی‌پور و لطفی، ۱۳۹۶ش، ص۲۸).

سور مسبحات همچون دیگر سوره‌ها سرشار از مفاهیم ذهنی، پیچیده و مهم هستند که می‌توان آنها را با بهره‌مندی از انواع طرحواره‌های تصویری درک کرد. گروهی از سوره‌های قرآن که با تسبیح شروع شده‌اند سور مسبحات نام دارند (حجتی، ۱۳۶۸ش، ص۱۱۵). راجع به سور مسبحات عدد ۵، ۷ و ۹ گفته شده است. علامه طباطبایی شمار سور مسبحات را پنج سورهٔ صف، حشر، حدید، تغابن و جمعه می‌داند که با فعل ماضی «سبّح» و مضارع «یُسبّح» آغاز شده‌اند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱۹، ص۱٤٤).

سیوطی شمار این سور را هفت عدد می‌دلند و می‌گوید تسبیح کلمه‌ای است که خداوند آن را برای خود ترجیح داده است، با مصدر این واژه، سورهٔ اسراء را شروع کرده؛ زیرا مصدر، اصل کلام است و با صیغهٔ ماضی آن، سوره‌های حدید، حشر و صف را شروع کرده است، زیرا ماضی سابق‌ترین در زمان است. پس سوره‌های جمعه و تغابن را با مضارع آغاز کرده و سپس سورهٔ اعلی را با صیغهٔ امر آن شروع کرده تا از همهٔ جهات این کلمه را فراگرفته باشد (سیوطی، ۱٤۲۱ق، ج۲، ص۳٦۱).

معرفت دو سورهٔ فرقان و ملک که با تبارک آغاز شده‌اند را نیز در شمار سور مسبحات قرار داده و مجموع این گروه را نه سوره به شمار آورده است (معرفت، ۱٤۲۸ق، ج۵، ص۲۹٤). نزد اندیشمندان قرآنی مشهور این است که تعداد سور مسبحات هفت سوره است؛ سور اسراء، حشر، حدید، صف، جمعه، تغابن و اعلی (حجتی، ۱۳٦۸ش، ص۱۱۵؛ مهدوی دامغانی، ۱۳۹۷ش، ص۳۳؛ سیوطی، ۱٤۲۱ق، ج۲، ص۳٦۱).

در این پژوهش، بنا بر نظر مشهور گذاشته شد و تعداد سور مسبحات هفت عدد در نظر گرفته شد. پژوهش حاضر بر آن است تا شیوهٔ مفهوم‌سازی آیاتی از سور مسبحات را بررسی کند که صفات اخلاقی را با سازوکار طرحواره‌های تصویری بیان کردند، تا تأثیر و کاربرد انواع طرحواره‌های تصویری بر مخاطب روشن شود. بر اساس آنچه بیان شد، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱- تجربیات مادی و تجسمی در مفهوم‌سازی آیات صفات اخلاقی در سور مسبحات چگونه تبیین می‌شوند؟

۲- طرحواره‌های تصویری در چه مفاهیمی از صفات اخلاقی سور مسبحات مطرح شده‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، فرآیند پژوهش در چند گام به ترتیب زیر انجام شده است: در گام اول، آیات مرتبط با صفات اخلاقی از سور مسبحات استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. در گام دوم، آیات انتخاب‌شده بر اساس نظریهٔ جانسون از منظر زبان‌شناسی شناختی و بر اساس سه نوع طرحوارهٔ حجمی، حرکتی و قدرتی تحلیل شده‌اند. در گام سوم، نگاشت‌ها و سازوکارهای مفهومیِ به‌کاررفته در مفهوم‌سازی صفات اخلاقی در این آیات مشخص و تبیین شده‌اند. در نهایت، بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، مشخص شده است چگونه تجربیات حسی و جسمانی در مفهوم‌سازی صفات اخلاقی به کار رفته‌اند و کاربرد انواع طرحواره‌های تصویری در مفهوم‌سازی این صفات به طور خلاصه تبیین شده است. تحلیل مفهوم‌سازی صفات اخلاقی در این سور بر اساس طرحواره‌های تصویری مبتنی بر بررسی سیاق آیات بوده است. در این راستا، علاوه بر رویکرد زبان‌شناسی شناختی، سیاق هر آیه نیز مورد توجه قرار گرفته است و پیوند بین بلاغت قرآن و طرحواره‌های تصویری تبیین شده است تا نقش بلاغی و بیانی آیات نیز در مفهوم‌سازی صفات اخلاقی روشن شود.

۲- پیشینهٔ پژوهش

در ارتباط با طرحواره‌های تصویری و اخلاق، به پژوهش‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

حائری یزدی (۱۳۸٤ش) در کتاب خود با عنوان *آشنایی با اخلاق اسلامی* از انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی مشهد، اساس ارزش اخلاقی، مفاهیم عام اخلاقی، قلمرو اخلاق اسلامی و راه‌های تربیتی در اخلاق اسلامی را بررسی کرده است. اعتصامی و آل رسول (۱۳۸۹ش) در مقاله‌شان با عنوان «سوره‌شناسی مسبحات»، بیان کردند برخی از سور قرآن دارای سرآغازی مشترک هستند، به گونه‌ای که با همان نام شناخته می‌شوند. سور هفت‌گانهٔ مسبحات از این جمله هستند. از جملهٔ مضامین مشترک اصلی در این هفت سوره، تسبیح، اسماءالحسنی و رسالت را می‌توان نام برد. از طرفی، آیات سور مسبحات گویای اصول پنج‌گانهٔ دین هستند. این آیات با تکیه بر پنج اصل توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد، فروع دین را نیز معرفی و وظایف اخلاقی شخص را نسبت به خدا، خود، افراد جامعه و خانواده‌اش بیان می‌کنند. علی‌نتاج منصور (۱۳۹٦ش) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «کارکرد طرحواره‌های تصویری در گفتمان قرآنی (مطالعهٔ موردی رذائل اخلاقی)، بیان می‌کند رذائلی همچون بخل، بهتان، ظلم، شک و تردید و دنیاطلبی در قلب طرحوارهٔ حجمی به نمایش درآمده‌اند. طرحوارهٔ حرکتی ــ جهتی بالا نیز در مفهوم‌سازی خشم بیان شده است و بر اساس طرحوارهٔ قدرتی نیز ایمان، هدایت و کمال بشری در یک جادهٔ بدون انحراف و مستقیم به تصویر درآمده‌اند. راستگو و صالحی (۱۳۹۷ش) در مقالهٔ خود با عنوان «بررسی طرحوارهٔ تصویری قدرتی در گفتمان قرآنی با رویکرد زبان‌شناسی‌شناختی»، بیان کردند طرحوارهٔ قدرتی همانند دیگر انواع طرحواره‌ها در راستای تحسین و تبیین ژرف‌تر معنا اتفاق می‌افتد. بر اساس طرحوارهٔ قدرتی، مفاهیم انتزاعی کفر و نفاق و ذلت به مثابهٔ سد و مانع و دارای قدرت به تصویر درآمده‌اند.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده، بررسی کارکرد طرحواره‌های تصویری در مفهوم‌سازی صفات اخلاقی سور مسبحات تا کنون انجام نشده است. در این مقاله بر آن شدیم تا با رویکرد زبان‌شناسی شناختی، مفاهیم انتزاعی در حوزهٔ اخلاق سور مسبحات را بیان کنیم.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- نظریهٔ طرحوارهٔ تصویری جانسون

طرحوارهٔ تصویری از محوری‌ترین مطالعات معناشناسی شناختی است که می‌تواند به عنوان حوزه‌های مبدأ در نگاشت‌های استعاری به کار آید. ادراکات جسمانی شده‌ی ما، که اساس طرحواره‌های تصویری را تشکیل می‌دهند، عینی هستند. (Lakoff, 1993, p. 245). زبان، از طرحواره‌ها که نتیجهٔ قابلیت درک از راه کالبدینگی هستند، در نمایان‌کردن ساختار مفهومی استفاده می‌کند (Talmy, 2000, p. 7).

مهم‌ترین طرحواره‌های تصویری که جانسون معرفی می‌کند طرحوارهٔ حرکتی، قدرتی و حجمی هستند که طرحواره‌های سطح پایه را تشکیل می‌دهند (Johnson, 1987, p. 127). علاوه بر این سه سطح، وی طرحواره‌هایی دیگر مانند تعادلی، ربطی، چرخه‌ای، کانونی، حاشیه‌ای، دور ـ نزدیک، کل ـ جزء، تماس، ادغام و انفکاک را برای ملموس‌کردن مفاهیم انتزاعی پیشنهاد می‌کند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹٤، صص٤٨-٥٢). در این پژوهش، بررسی طرحواره‌های سه سطح پایه در سور مسبحات انجام شده است. شناخت انواع طرحواره‌ها بر اساس تجربه‌های اجتماعی، فرهنگی و حسی ـــ ادراکی انسان، شیوه‌ای خلاق در انتقال مفاهیم قرآنی است.

۳-۱-۱- طرحوارهٔ حجمی

طرحوارهٔ حجمی، پنداری است که ظرفی را که درون و بیرون آن در قلمرو فضایی سه‌بُعدی است، به تصویر می‌کشد (Lakoff, 1987, p. 272)؛ بنابراین، انسان

می‌تواند خویش را به عنوان مظروف ظرف‌هایی مانند صندلی، کلاس و اماکنی که دارای حجم هستند، در نظر بگیرد و این اماکن به نوعی به عنوان ظرف بپندارد و این تجربهٔ فیزیکی را به مفهوم‌هایی دیگر که از نظر ذاتی یا مفهومی حجم نمی‌پذیرند، گسترش دهد و به این ترتیب، طرحواره‌هایی مجرد از حجم‌های فیزیکی در ذهن خود بسازد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱ش، ص۱٤۷).

برای مثال: «در همین حال خوش بمان» و «حسابی افتاد تو هچل».

در این مثال‌ها، با لحاظ‌کردن حجم برای «حال خوش» و «دردسر»، درک این مفاهیم انتزاعی برای شنونده راحت‌تر می‌شود.

۳-۱-۲- طرحوارهٔ حرکتی

انسان برای اشیایی که دارای حرکت نیستند، بر اساس تجربیاتی که از حرکت خود و مشاهدهٔ سایر چیزها کسب می‌کند، طرحواره‌ای عینی از حرکت در ذهن می‌سازد و بدین ترتیب برای چیزهایی که این ویژگی را ندارند، این صفت را در نظر می‌گیرد. حرکت را مبدأ و مقصدی است و در این مسیر نقاطی مابین این دو نقطه وجود دارند (پاشایی و همکاران، ۱٤۰۰ش، ص۳۳).

برای مثال: «مسیر زندگی‌ام تغییر کرد» و «به راهت برای رسیدن به موفقیت ادامه بده.»

بر اساس این مثال‌ها، برای بسیاری از پدیده‌ها مانند موفقیت و امثال آن، مسیری در نظر گرفته شده است که انسان در آن مسیر قرار می‌گیرد و حرکت می‌کند.

۳-۱-۳- طرحوارهٔ قدرتی

در طرحوارهٔ حرکتی بیان شد ساخت‌هایی وجود دارند که گویی حرکتی را در مسیری نشان می‌دهند. انسان در سراسر زندگی خویش به طرزی عینی و قابل لمس با اتفاقاتی مواجه می‌شود و این رویدادها مانند مانع‌های طبیعی، سد حرکت و پیشروی او می‌شوند. به این دلیل، در ذهن و اندیشهٔ خویش در عالم انتزاع، موانعی را متصور می‌شود که سد راه او هستند؛ بنابراین، در جست‌وجوی راه‌حل‌هایی برای برطرف‌کردن این موانع می‌افتد که بدون قابلیت عینی هستند (ذاکری، ۱۳۹٦ش، ص۳۰). انسان در برابر این موانع دارای موقعیت‌هایی مختلف است و قدرت خود را در رویارویی با این موانع می‌آزماید؛ به این ترتیب، نظامی در ذهن انسان به وجود می‌آید و موجب می‌شود تا او این ساختار را به حوادثی نسبت دهد که در واقع دارای آن نیستند (Johnson, 1987, p. 47).

با توجه به شرایط گفته‌شده، جانسون در مواجهه با چنین موانعی، سه حالت و سه طرحوارهٔ تصویری را مطرح می‌کند.

اولین گونهٔ طرحوارهٔ قدرتی این است که در مسیر حرکت سدی به وجود آید و ادامهٔ حرکت مقدور نباشد.

برای مثال: «برای ادامهٔ تحصیل به بن‌بست خوردم.»

دومین گونهٔ طرحوارهٔ قدرتی آن است که در مسیر حرکت سدی به وجود آید، اما بشود آن را شکست یا دور زد و به حرکت ادامه داد یا راهی دیگری انتخاب کرد که کاملاً راهی جدید است.

برای مثال: «از سد کنکور گذشتم»، «اگر قبول نشدی بگو راه دیگری را نشانت بدهم»، «باید این مشکل را دور بزنی.»

سومین نوع طرحوارهٔ قدرتی این است که در مسیر حرکت سدی به وجود آید که انسان بتواند با قدرت خود آن را از سر راه بردارد و به مسیرش ادامه دهد.

برای مثال: «برای اینکه به دکتری برسم همهٔ مشکلات را کنار زدم.» (Ibid).

۴- صفات اخلاقی در سور مسبحات

صفات اخلاقی در سور مسبحات شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در این سوره‌ها به عنوان فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی مطرح شده‌اند. ملاک انتخاب این

صفات صریح‌بودن بیان آنها در سور مسبحات و قابلیت تحلیل آنها بر اساس نظریهٔ طرحواره‌های تصویری جانسون بوده است. سور مسبحات، شامل هفت سوره (اسراء، حشر، حدید، صف، جمعه، تغابن و اعلی)، حاوی مفاهیم اخلاقی گسترده‌ای هستند که مخاطب را به سوی فضیلت‌های اخلاقی سوق می‌دهند و از صفات ناپسند بازمی‌دارند.

در این سوره‌ها، صفات اخلاقیِ مثبت همچون تواضع و فروتنی (اسراء: ٢٤، ١٠٧، ١٠٩؛ حدید: ١٦)، وفای به عهد (اسراء: ٣٥)، صداقت (اسراء: ٨٠)، انفاق (حدید: ١١)، و عدل (حدید: ٢٥) به عنوان ارزش‌های اخلاقی مطرح شده‌اند که قرآن کریم از مخاطبان خود می‌خواهد تا به آنها آراسته شوند. در مقابل، صفات منفی و ناپسندی نیز مانند کبر و غرور (اسراء: ٣٧، ٦١، ٨٣؛ تغابن: ٦)، فسق و نافرمانی (اسراء: ٥؛ حشر: ١٩)، بخل (اسراء: ٢٩؛ حدید: ٢٤)، ترک بخل (حشر: ٩؛ تغابن: ١٦)، تمسخر (اسراء: ٥١)، اهانت به والدین (اسراء: ٢٣)، حسد (حشر: ١٠)، لجاجت (حشر: ٢)، ظلم (صف: ٧؛ جمعه: ٥)، و شرم بی‌جا (اسراء: ٢٨) بیان شده‌اند که به عنوان رفتارهایی مذموم و نامطلوب به آنها اشاره شده است.

به طور خلاصه، تمرکز این پژوهش بر تحلیل همین صفات اخلاقی موجود در سور مسبحات است و تلاش دارد تا با بهره‌گیری از نظریهٔ طرحواره‌های تصویری، چگونگی مفهوم‌سازی و درک این صفات را برای مخاطب روشن‌تر کند.

۵- کارکرد طرحواره‌های تصویری در حوزهٔ صفات اخلاقی

قرآن برنامه‌ای کامل برای هدایت انسان است و از جهات مختلف مسائل حوزهٔ اخلاق را بیان کرده است. در این بین، از طرحوارهٔ تصویری به عنوان یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی شناختی در مفهوم سازی اخلاق چه در بُعد فضائل یا رذائل، بهره گرفته شده است. در اینجا، با برداشت از این الگو، مفهوم‌سازی‌های شکل‌یافته بیان شده است.

۵-۱- طرحوارهٔ حرکتی - حجمی - قدرتی در مفهوم‌سازی کبر و غرور

«وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّکَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» ﴿اسراء: ٣٧﴾

«روی زمین با تکبر راه مرو تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد؟»

خداوند در این آیه خطاب به انسان می‌فرماید در زمین با تکبر و غرور راه نرو، کبر و خود برتربینی سبب بدبختی انسان می‌شود و سبب می‌شود مردم نسبت به انسان بدگمان شوند. قرآن به کسی که متکبرانه راه می‌رود با کنایه می‌گوید تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و از نظر بلندی به بلندی کوه برسی (جعفری، ١٣٧٦ش، ج٦، ص٢٩٥).

«مَرَحًا» شدت شادی و گستردی آن است (راغب، ١٤١٢ق، ج١، ص٧٦٤)؛ شدت شادی‌ای که راه‌رفتن به‌سان راه‌رفتن نباشد و دلالت دارد بر کبر و بزرگی (نووی، ١٤١٧ق، ج١، ص٦٢٥). «مشی» انتقال از مکانی به مکان دیگر با اراده است (راغب، ١٤١٢ق، ج١، ص٤٦٩). «وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا» راه‌رفتن بدون تکبر و خودپسندی و پرهیز از تکبر است. (هاشمی رفسنجانی، بی‌تا، ج١٤، ص٣٥٧). از آنجا که حالت شادی زیاد است، برای مثال می‌گوییم از شادی پرید. خداوند در این آیه غرور را با راه‌رفتن با شادی زیاد بیان کرده است. طرحوارهٔ حرکتی برای غرور تجسم یافته است.

خداوند برای بیهوده‌بودن کبر آن را با نرسیدن طول قد انسان به طول قد کوه ترسیم کرده است؛ + اینکه انسان هر چقدر رشد داشته باشد، باز هم قدش به انتهای کوه نمی‌رسد. «بلغ» طرحوارهٔ حرکتی را تداعی می‌کند و هدف از «وَلَنْ تَبْلُغَ» نرسیدن به قامت کوه است. مسیری برای کبر تصویر می‌شود که انتها ندارد.

همچنین، خداوند در این آیه غرور را با حرف اضافهٔ «فی» حجم بخشیده است؛ گویی زمین ظرفی است که راه‌رونده با غرور مظروف آن شده است.

«وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا» ﴿اسراء: ۸۳﴾

«هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم (از حق) روی می‌گردلند و متکبرلنه دور می‌شود و هنگامی که کم‌ترین بدی به او می‌رسد (از همه چیز) مایوس می‌گردد.»

«نَأی» به معنی دوری است (فراهیدی، بی‌تا، ج۸، ص۳۹۲).

«نَأی بجانبه» حالت انسان را در دوری از خدا و قطع ارتباط با خدا در هنگام توجه خدا تجسم می‌کند؛ زمانی که خدا به او توجه می‌کند ولی انسان روی خود را از درگاه او برمی‌گردلند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۳، ص۱۸۵). مراد این است که کافران در هر حالتی از خود غافل می‌شوند. در حالت شادی مغرور و در مشکلات خوار می‌شوند. در زمان ناامیدی کافران از روی ناچاری رو به سوی خدا می‌آورند و از خدا کمک می‌طلبند، اما همین که مشکلات آنان برطرف شد، سرکشی می‌کنند و تغییر موضع می‌دهند (خرم‌دل، ۱۳۸٤ش، ج۱، ص۵۸۰).

مفهوم انتزاعی کبر و غرور در اینجا با دورشدن از خدا تصویر شد که در آن طرحوارهٔ حرکتی تجسم می‌یابد.

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا» ﴿اسراء: ٦١﴾

«به یاد آورید زمانی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که گفت آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده‌ای؟»

در این آیه تکبر و خودبرتربینی شیطان مانع از تعبد و بندگی‌اش به درگاه خدا شد و شیطان نتوانست این مانع را کنار بزند و در نتیجه، پشت این مانع ماند. طرحوارهٔ قدرتی ماندن پشت مانع تصویر شد.

شیطان توان و نیروی دورزدن مانع نافرمانی را نداشت و تلاشی برای کنار و دورزدن آن انجام نداد (قدرتی نوع اول)

«ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» ﴿تغابن: ٦﴾

«این [بدفرجامی] از آن روی بود که پیامبرانشان دلایل آشکار برای‌شان می‌آوردند و[لی] آنان [می]گفتند آیا بشری ما را هدایت می‌کند پس کافر شدند و روی گردانیدند و خدا بی‌نیازی نمود و خدا بی‌نیاز ستوده است.»

عذابی که در دنیا به آنان داده شد و چیزی که در آخرت به آنان خواهد رسید، به خاطر آن است که آنان پیامبران را که با دلایل و معجزات روشن آمدند و آنان را دعوت به حق کردند، تمسخر کردند و گفتند آیا بشری همانند ما، ما را هدایت می‌کند؟ به این ترتیب، پیامبران را انکار کردند و از خدا روی‌گردان شدند و کفر ورزیدند. خداوند نیازی به عبادت بندگان ندارد و بی‌نیاز مطلق است (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج۸، ص۳۰۰).

این آیه کبر و غرور کافران را به عنوان مانعی برای پذیرش ایمان معرفی می‌کند؛ به این معنا که کافران نتوانستند این موانع را کنار بزنند و ایمان بیاورند و کفر ورزیدند (قدرتی نوع اول)

۵-۲- طرحوارهٔ حرکتی ـ قدرتی در مفهوم‌سازی فسق

«مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ» ﴿اسراء: ۵﴾

«آنچه درخت خرما بریدید یا آنها را [دست‌نخورده] بر ریشه‌های‌شان بر جای نهادید به فرمان خدا بود تا نافرمانان را خوار گرداند.»

«فاسق» شامل کافر و مشرک است؛ زیرا فسق خروج از طاعت است و خزی عذاب و خفت و خواری است که بدانند عناد با خدا چه عواقب سویی دارد (طیب، ۱۳٦۹ش، ج۱۲، ص٤۷۰). خروج از طاعت و خوارشدن نوعی سقوط و جابه‌جایی به سمت پایین است. خواری حاصل

از فسق با طرحوارهٔ حرکتی نشان داده شده است.

در این آیه، از آنجا که فسق مانع فرمان‌پذیری شد و مانع و سدی است که کافران نتوانستند آن را کنار بگذارند و موفق به اطاعت شوند، از طرحوارهٔ قدرتی بهره گرفته شده است (قدرتی نوع اول).

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» ﴿حشر: ۱۹﴾

«و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خود فراموشی کرد آنان همان نافرمانانند.»

نافرمانی و فسق در این آیه به عنوان سد و مانعی برای به یاد خدا بودن معرفی می‌شود و فراموشی خدا نیز به عنوان مانعی برای به یاد خویشتن بودن. اگر انسان نتواند این مانع را کنار بزند، خود و خدا را فراموش می‌کند (قدرتی نوع اول).

۵-۳- طرحوارهٔ حرکتی ـــــ حجمی در مفهوم‌سازی تواضع و فروتنی

«وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» ﴿اسراء: ۲۴﴾

«بال‌های تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر و بگو پروردگارا همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمت‌شان قرارده.»

تواضع و فروتنی یکی از صفات نیک اخلاقی است که همواره در قرآن به آن توصیه شده است. خداوند در این آیه تواضع و فروتنی را با طرحوارهٔ تصویری حرکتی مجسم کرده است. بسیاری از مفاهیم ارزشی اخلاقی در قرآن با کمک‌گرفتن از جهات مکانی بالا/پایین، عقب/جلو و راست/چپ و ... کالبدینه می‌شوند. مراد از «وَاخْفِضْ جَنَاحَ الذُّلِّ» نیکی به پدر و مادر و نیک‌گفتن با آنان و نرمی و مهربانی با آنان است. پایین آوردن بال بیان خضوع و تذلل و در مقابل علو و عزت است؛ همان‌طور که پرنده اگر از پرواز خارج شود بال خود را پایین می‌آورد و سپس به سمت اوج پرواز می‌کند (شریف الرضی، ۱۴۰۶ق، ص۲۰۰). «ذل» نرمی است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ق، ج۳، ص۲۱) که مفهومی انتزاعی است و با پایین‌آوردن بال عینیت یافته است. بال وسیله‌ای برای فراز و فرود است که بازبودن بال به معنای پرواز در بالا و بستن بال حاکی از پایین‌آمدن است. با توجه به استعارهٔ مفهومی «قدرت بالاست» و «ضعف پایین است»، تصویرسازی از این مفاهیم انجام شده است. کسی که قدرت بیشتری دارد در بالا و کسی که ضعیف‌تر است در پایین قرار می‌گیرد؛ اما این قدرت در مقابل مقام بالاتر جنبهٔ ضعف پیدا می‌کند. در اینجا، نهایت فروتنی و تواضع با تجربه‌های بشری ترسیم و از طرحوارهٔ حرکتی بهره گرفته شده است.

«قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا» ﴿اسراء: ۱۰۷﴾

«بگو: چه شما ایمان بیاورید و چه نیاورید، آنها که پیش از این علم و دانش به آنان داده شده هنگامی که (این آیات) بر آنها خوانده می‌شود به خاک می‌افتند و سجده می‌کنند.»

در این آیه خداوند بیان می‌کند به این قرآن ایمان بیاورید که اگر جن و انس با هم جمع می‌شدند تا مانند آن را بیاورند، نمی‌توانستند. ایمان شما تأثیری بر آنچه نزد خداست ندارد. کسانی که به آیات قرآن معرفت یافتند، هنگامی که این قرآن بر آنان خوانده می‌شود، از احترام به زمین می‌افتند. به آن عزت می‌دهند و از آنجا که می‌دانند از جانب خداست، روی زمین بر چانه‌شان سجده می‌کنند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج۱۵، ص۱۲۰) «اذقان» جمع «ذقن» به معنای چانه است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ق، ج۲، ص۱۴). این که فرموده است به چانه‌های خود به سجده می‌افتند به این دلیل است که نزدیک‌ترین عضو سجده‌کننده به زمین چانه است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ق، ج۲، ص۱۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج۲، ص۳۵۰). حرف «لام» برای اختصاص است؛ صورت‌ها و چانه‌هایشان را اختصاص به تواضع و سجده قرار داده بودند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج۲، ص۳۵۰)

در این آیه نهایت خشوع، تواضع و کرنش انسان در برابر خدا بعد از شنیدن و ایمان به معارف آن و همچنین عزت‌داشتن قرآن در نزدشان، با سجده بر خاک ترسیم شده است. سجده حالتی است که انسان پیشانی خود را به خاک می‌ساید و از بالا به پایین می‌افتد. طرحوارهٔ حرکتی تصویر شده است که در آن حرکت از بالا به پایین مجسم می‌شود.

«وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» ﴿اسراء: ۱۰۹﴾

«آنها (بی‌اختیار) به زمین می‌افتند (و سجده می‌کنند) و اشک می‌ریزند و هر زمان خشوع‌شان فزون‌تر می‌شود.»

تکرار جملهٔ مشابه آیهٔ ۱۰۷ سورهٔ اسراء به این دلیل است که دو حالت مختلف را نشان می‌دهد: یکی به خاک افتادن در حال سجده و دیگری در حال گریه. حقایق قرآن بر نرمی دل و فروتنی آنان می‌افزاید (طبرسی، ۱٤۱۲ق، ج۲، ص۳۵۰). در این آیه نیز، همانند آیهٔ ۱۰۷ سورهٔ اسراء، سجده نماد فروتنی است و با طرحوارهٔ حرکتی از بالا به پایین، فروتنی و تواضع تصویر شده است.

در این آیه برای خشوع و نرمی دل نیز «افزودن» استفاده شده است؛ گویی این ویژگی‌ها مانند چیزی مادی هستند که می‌توان آن‌ها را از بیرون افزایش داد. مفهوم انتزاعی خشوع مشابه یک شیء مادی است که قابلیت افزایش دارد و از طریق طرحواره‌ای حجمی مفهوم‌سازی شده است.

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» ﴿حدید: ۱٦﴾

«آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع گردد؟ و مانند کسانی نباشند که قبلاً به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب‌های آنها قساوت پیدا کرد و بسیاری از آنها گنهکارند.»

سبب نزول آیهٔ ۱٦ سورهٔ حدید این است که منافقان به سلمان فارسی گفتند از تورات به ما خبر بده و در این آیه خدا فرموده است آیا زمان آن نیامده که افرادی که به زبان دین را قبول کردند قلوب آنان با یاد خدا فروتن و به خدا متوجه شود و مانند کسانی نباشند که پیش از این بر ایشان کتاب آسمانی آمد و روزگار طولانی بر آنها گذشت و قسی‌القلب شده و بیشتر آنها فاسق شدند (بروجردی، ۱۳٦٦ش، ج۷، ص٦٤).

خشوع حالت فروتنی است که با آمدن بدن انسان به سمت پایین همراه است. خشوع در برابر خدا و فروتنی قلب با طرحوارهٔ حرکتی آمدن بدن به سمت پایین ترسیم شده است. در آیهٔ ۱۰ سورهٔ اعلی نیز به این نکته اشاره شده است: «سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَى» ﴿اعلی: ۱۰﴾ «و به زودی آنها که از خدا می‌ترسند متذکر می‌شوند.»

٥-٤- طرحوارهٔ حرکتی ـ حجمی در مفهوم‌سازی بخل

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» ﴿اسراء: ۲۹﴾

«هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد آن را مگشا تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی.»

«بخل» دریغ‌کردن یا نگه‌داشتن چیزی است و بخیل کسی است که خسیس است و نگه می‌دارد (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج٥، ص۳۲۰). بخل متضاد جود و بخشش است (راغب، ۱٤۱۲ق، ج۱، ص۱۰۹). در این آیه درک مفهوم بخل با تجربهٔ مادی و قابل لمس یعنی دستان بسته به گردن نشان داده شده است، کنایه از تقصیر و کوتاهی است و مذموم است (شریف الرضی، ۱٤۰٦ق، ص۲۰۰). در آیهٔ ٦۷ سورهٔ فرقان نیز به آن اشاره شده است.

می‌توان گفت بخل امری انتزاعی است که خدا برای درک این امر و اجتناب از این صفت رذیله از امور حسی انسانی مانند دست را به گردن زنجیرکردن استفاده کرده است. بخل در قالب طرحوارهٔ حجمی «بخل غل یا زنجیر است» مفهوم‌سازی شده است. در این نگاشت، حوزهٔ مقصد (بخل و خساست) با حوزهٔ مبدأ (غل و زنجیر) متناظر است. بخل کالبدینه و ویژگی غل و زنجیر را یافته است. با به تصویر کشیده شدن بخل در قالب زنجیر، خدا حتی جنس بخل را با سخت و سنگین بودن آن توصیف کرده و به این ترتیب، اثرات زیان‌آور و مخرب آن را نشان داده است. صفت بخل به عنوان عامل سرزنش از سوی خدا و سوءتدبیر از سوی مردم معرفی شده است (قمی مشهدی، ۱۳٦۸ش، ج ۷، ص۳۹۵). همچنین، از طرحوارهٔ مکانی بالا/پایین برای نشان‌دادن این امر استفاده شده است که چرا «قعود» یعنی نشستن، حرکت به سمت پایین را تداعی می‌کند. طرحواره حرکتی است.

«الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» ﴿حدید: ۲٤﴾

«همان‌ها که بخل می‌کنند و مردم را نیز دعوت به بخل می‌نمایند و هر کس (از این فرمان) روی‌گردان شود (به خدا زیانی نمی‌رساند) چرا که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است.»

این آیه بیان می‌کند مختال فخور کسانی هستند که معمولاً در مال خود بخل می‌ورزند، پس حق خدا را با آن ادا نمی‌کنند و به فقیر و تهیدست و درمانده دلداری نمی‌دهند، بلکه درخواست می‌کنند دیگران به پول چنگ بزنند و به مردم نیکی نکنند و نسبت به داشته‌هایشان بخیل باشند؛ اما هر کس از انفاق و از فرمان و اطاعت خدا روی‌گردان شود، خداوند از او بی‌نیاز است، بخیل فقط به نفس خودش ضرر می‌زند (زحیلی، ۱٤۱۱ق، ج۳۷، ص۳۲۸). در این آیه بخیل‌بودن به عنوان نافرمانی و عدم اطاعت از خدا معرفی شده که این مفهوم انتزاعی با روی‌گردانی که چرخش سر از یک سو به سوی دیگر را تداعی می‌کند، تصویر شده است.

۵-۵- طرحوارهٔ حرکتی ــ حجمی در مفهوم‌سازی وفای به عهد

«وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» ﴿اسراء: ۳۵﴾

«و به هنگامی که پیمانه می‌کنید حق پیمانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.»

«الْمُسْتَقِيمِ» که برای قسطاس آمده واژه‌ای ست که برای راه استفاده می‌شود. خداوند با به‌کارگیری این اصطلاح برای وفای به عهد آن را به مثابهٔ راهی مستقیم ترسیم کرده است که انحراف و بیراهه ندارد. قسطاس با طرحوارهٔ حرکتی مفهوم‌سازی شده است.

«کیل» یعنی پیمانه و فرق بین «کیل» و «وزن» این است که کیل برای تعیین مقدار شیء از نظر حجم است ولی وزن تعیین مقدار شیء از نظر سنگینی است (مصطفوی، ۱۳٦۸ش، ج۱۰، ص۱٦۹).

احکامی که خداوند برای نظم‌بخشی به معاش مسلمین در نظر گرفته است، مبنایشان وفا در معاملات است، عدالت در قراردادها و هر چیزی که دو طرف معامله به آن تعهد کردند باید رعایت شود. اگر در دادوستدها خیانت رخ دهد، شامل کم‌فروشی یا غش در معاملات، اعتماد به یکدیگر در بین مردم از بین می‌رود و در نظام معاملات و قراردادها خلل ایجاد می‌شود. «قسطاس» به معنای ترازوست ولی در عرف عرب برای ترازوی بزرگ که آن را قپان می‌گویند استعمال می‌شود. (اشکوری، ۱۳۷۳، ج۲، ص۷۹۷). «وزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ» تأکید بر وفای به عهد است. کلمهٔ «قسطاس» از دو کلمهٔ «قسط» به معنای عدل و «طاس» یعنی کفهٔ ترازو تشکیل شده است و اشاره

دارد به اینکه هر جنسی را که می‌فروشید تمامش را وزن کنید، آنگاه به خریدار تحویل دهید.« ذلِکَ خَیْر» مبنی بر حصر در انجام خرید و فروش است؛ به این معنا که جنسی که معامله شده است، از لحاظ وزن و سایر جهات که در قرارداد به آنها اشاره شده است، باید تمام و کمال مبادله شود و وگرنه تعهد و التزام به آن انجام نشده است (حسینی همدانی، ١٤٠٤ق، ج ١٠، صص ٦٠-٦١). پیمانه و ترازو هر دو برای سنجش و وزن‌کردن چیزهایی که دارای ابعاد و حجم هستند به کار می‌روند. خداوند در این آیه مفهوم انتزاعی وفای به عهد و درستی و راستی در معاملات را با دو کلمهٔ فوق مفهوم سازی کرده است تا مخاطب آن را درک کند. برای وفای به عهد و درستی و راستی همانند شیء، حجم در نظر گرفته شده که قابل سنجش است.

۵-٦- کارکرد طرحوارهٔ حرکتی در مفهوم‌سازی شرم

«وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّکَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَیْسُورًا» ﴿اسراء: ۲۸﴾

«و هر گاه از آنها (یعنی مستمندان) روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی) با گفتار نرم و آمیخته لطف با آنها سخن بگو.»

در شأن نزول این آیه، مفسران بیان کرده‌اند گاهی فقرای صحابه از حضرت رسول (ص) چیزی درخواست می‌کردند که نزدشان نبود و پیامبر شرم داشت به آنها جواب منفی بدهد و به همین خاطر سعی داشت تا از جایی دیگر برایشان تهیه کند، این بود که این آیه نازل شد (امین، بی‌تا: ج ٧، صص٢٩٦-٢٩٧).

«اعراض» به معنای روی‌گرداندن و پشت‌کردن است (راغب، ١٤١٢ق، ج١، ص ٣٠٧) و چرخش صورت و سر در جهت حرکت به سمتی را می‌رساند که برای شرم پیامبر در مقابل فقرا به کار رفته است، تا از این طریق شرم مفهوم‌سازی شود.

۵-۷- طرحوارهٔ حرکتی در مفهوم‌سازی تمسخر

«أَوْ خَلْقًا مِمَّا یَکْبُرُ فِی صُدُورِکُمْ فَسَیَقُولُونَ مَنْ یُعِیدُنَا قُلِ الَّذِی فَطَرَکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَیُنْغِضُونَ إِلَیْکَ رُءُوسَهُمْ وَیَقُولُونَ مَتَی هُوَ قُلْ عَسَی أَنْ یَکُونَ قَرِیبًا» ﴿اسراء: ۵۱﴾

«یا هر مخلوقی که در نظر شما از این هم سخت‌تر است (و از حیات و زندگی دورتر، باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگردانند) آنها به‌زودی می‌گویند چه کسی ما را باز می‌گرداند؟ بگو همان کسی که روز نخست شما را آفرید، آنها سر خود را (از روی تعجب و انکار) به سوی تو خم می‌کنند و می‌گویند: در چه زمانی خواهد بود؟! بگو شاید نزدیک باشد.»

«سَیُنْغِضُونَ» از «انغاض» و به معنای تکان‌دادن سر به طرف دیگر مانند کسی است که تعجب می‌کند (راغب، ١٤١٢ق، ج١، ص٨١٦). وقتی پیامبر استدلال آورد که خدا همان‌گونه که در آفرینش نخستین، انسان را خلق کرد می‌تواند مجدداً انسان را خلق کند و منکران معاد نتوانستند آن را تکذیب کنند، از روی تمسخر و استهزا سرشان را تکان دادند و گفتند چه زمانی خواهد بود و خدا فرمود بگو شاید نزدیک باشد (خسروانی، ١٣٩٠ق، ج٥، ص٢٧٢؛ قرشی بنابی، ١٣٧٥ش، ج٦، ص٨٤).

در این آیه مفهوم انتزاعی تمسخر و استهزا با تکان‌دادن و جنباندن سر مفهوم‌سازی شده است.

۵-۸- طرحوارهٔ حجمی در مفهوم‌سازی اهانت به والدین

«وَقَضَی رَبُّکَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِیَّاهُ وَبِالْوَالِدَیْنِ إِحْسَانًا إِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ کِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا کَرِیمًا» ﴿اسراء: ۲۳﴾

«پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آنها ــ یا هر دو آنها ــ نزد تو، به سن پیری برسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده بزرگوارانه به آنها بگو.»

«أُفٍّ» کثیفی گوش را گویند (فراهیدی، بی‌تا، ج۸، ص٤۱۰) «اف» هر چیز مشمئزکننده مانند چرک و ناخن گفته شده است و برای تنفر به کار می‌رود (راغب، ۱٤۱۲ق، ج۱، ص۷۹). خداوند در اینجا کمترین اهلنت به والدین را با کثیفی گوش و چرک که قابل رؤیت است به تصویر کشیده تا زشتی آن برای انسان قابل لمس شود؛ به این ترتیب، به آن مانند یک شیء حجم بخشیده شده است.

۵-۹- طرحوارهٔ حجمی در مفهوم‌سازی صدق

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِیرًا» ﴿اسراء: ۸۰﴾

«و بگو: پروردگارا! مرا (در هر کار) صادقانه وارد کن و صادقانه خارج نما و از سوی خود سلطان و یاوری برای من قرار ده.»

حضرت رسول دائم در همهٔ امور، چه فردی و چه عمومی برای دعوت به توحید، از خداوند درخواست می‌کرد که آنها را بر اساس صدق بنا نهد و در هیچ اموری از اموراتش ریا و عدم خلوص نباشد؛ به این ترتیب، در همهٔ اعمالش خواستار صدق بود (حسینی همدانی، ۱٤۰٤ق، ج۱۰، ص۱۳۳). واژهٔ «اَدخل» و «اَخرج» ورود و خروج چیزی در مکان محصور را تداعی می‌کند؛ گویی برای صدق، حجم در نظر گرفته شده است و مکانی است که دارای ابعاد است و فرد می‌تواند در آن ورود و خروج کند.

۵-۱۰- طرحوارهٔ حجمی در مفهوم‌سازی انفاق

«مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ» ﴿حدید: ۱۱﴾

«کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و برای او اجر فراوان پر ارزشی است.»

در این آیه انفاق در راه خدا همانند قرض به خدا محسوب شده است تا کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند بدانند مالشان چند برابر شده است (امین، بی‌تا، ج۱۳، ص۱۲۹). در این آیه انفاق همانند شیئی در نظر گرفته شده که قابل افزایش است و چند برابر می‌شود.

۵-۱۱- طرحوارهٔ حجمی در مفهوم‌سازی عدل

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَالْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِیدَ فِیهِ بَأْسٌ شَدِیدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِیَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَیْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ» ﴿حدید: ۲۵﴾

«ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسائی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است و منافعی برای مردم تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کنند بی آنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»

پیامبران با براهین و معجزه‌های زیادی برای راهنمایی بشر به رسالت انتخاب شدند و دارای کتاب آسمانی بودند که از طریق وحی بر آنان نازل شدند تا وسیلهٔ آن مردم را به سوی حق دعوت کنند و همچنین، همراه آنان میزان و معیاری نازل شد تا مردم در روابط و معاملات خود با یکدیگر بر پایهٔ عدل و برابری رفتار کنند (امین، بی‌تا، ج۱۳، صص۱۵۷-۱۵۸).

در این آیه برای برقراری عدل و برابری که مفهومی انتزاعی است از میزان یا ترازو که از لوازم سنجش مادی و دارای حجم است بهره برده شده است تا مخاطب مفهوم قسط را بهتر درک کند.

۵-۱۲- طرحوارهٔ حجمی در مفهوم‌سازی حسد

«وَالَّذِینَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ یَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالْإِیمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّکَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ» ﴿حشر: ۱۰﴾

«و [نیز] کسانی که بعد از آنان [مهاجران و انصار]

آمده‌اند [و] می‌گویند پروردگارا بر ما و بر آن برادران‌مان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل‌های‌مان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ‌گونه] کینه‌ای مگذار پروردگارا راستی که تو رئوف و مهربانی.»

«غل» به معنای سوءنیت پنهانی است (فراهیدی، بی‌تا، ج٤، ص٣٤٨) و راغب آن را آب جاری بین درختان نیز معنا کرده است (راغب، ١٤٠٢ق، ج١، ص٦١٠).

از آنجا که حسادت و خصومت به شکلی سری در قلب انسان نفوذ می‌کند به آن «غل» گویند؛ از این رو، «غل» فقط به معنای «حسادت» نیست و مفهومی وسیع‌تر دارد که بسیاری از صفات پنهان و ناپسند اخلاقی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ١٣٧١ش، ج١٦، ص٢٦٣). حسد به عنوان مفهومی انتزاعی همانند شیئی تجسم یافته است که در قلب به عنوان ظرف نفوذ می‌کند و درون آن قرار می‌گیرد.

۵-۱۳- طرحوارهٔ حجمی در مفهوم‌سازی لجاجت

«هُوَ الَّذِی أَخْرَجَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ مِنْ دِیَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ یَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ یُخْرِبُونَ بُیُوتَهُمْ بِأَیْدِیهِمْ وَأَیْدِی الْمُؤْمِنِینَ فَاعْتَبِرُوا یَا أُولِی الْأَبْصَارِ» ﴿حشر: ٢﴾

«اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهای‌شان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود ولی خدا از آنجایی که تصور نمی‌کردند بر آنان درآمد و در دلهای‌شان بیم افکند [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌کردند پس ای دیده‌وران عبرت گیرید.»

در آخر آیه بیان شده است که کافران به دست خود و مؤمنین خانه‌هایشان را خراب کردند. کنایه از آن دارد که بگوییم کسی خانه و زندگی‌اش را با دستانش خراب کرد؛ به این معنا که در اثر جهل و لجبازی زندگی‌اش را نابود کرد (مکارم شیرازی، ١٣٧١ش، ج٢٣، ص٤٩٠). مفهوم انتزاعی لجاجت و نادانی با تخریب خانه که امری مادی و دارای ابعاد است، تجسم یافته است.

۵-۱۴- طرحوارهٔ قدرتی در مفهوم‌سازی ظلم

ظلم عبارت است از رعایت‌نکردن جایگاه واقعی امور (محمدی ری شهری، ١٣٨٨ش، ص٣٣٣). از نظر قرآن کریم ظلم انواعی دارد: ظلم به خدا، ظلم به خویشتن و ظلم به دیگران. در حقیقت، ظلم به خداوند و دیگران نیز نوعی ظلم به خویشتن است؛ زیرا عمل از عامل خود جدا نخواهد شد.

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» ﴿صف: ٧﴾

«و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که با وجود آنکه به سوی اسلام فراخوانده می‌شود بر خدا دروغ می‌بندد و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.»

ظلم به مثابهٔ سدی است که مانع از آن می‌شود تا هدایت خداوند شامل حال انسان شود. بعضی از افراد با وجود توانایی موانع را کنار نمی‌زنند و پشت سد محرومیت از لطف خدا باقی می‌مانند (قدرتی نوع اول).

«مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» ﴿جمعه: ٥﴾

«مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد [وه] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را، راه نمی‌نماید.»

یهودیان بیان می‌کنند تورات کتاب آسمانی ما و ما تابع آن هستیم؛ با این حال، آنان منکر رسول اسلام که تورات از او نام برده است، هستند؛ به این ترتیب، حال آنان مانند خری است که کتب علمی را با خود حمل می‌کند اما از

محتویات آن کتب هیچ درکی ندارند و هیچ بهره‌ای و سودی از آن نمی‌برند. یهود تورات و دیگر کتب را که نزدشان بود تحریف کردند (مغنیه، ۱٤۲٤ق، ج۷، ص۳۲٤).

در انتهای آیه خداوند می‌فرماید قوم ظالم را هدایت نمی‌کند. دروغ و کذب بستن به خدا ظلم است. ظلم به مثابهٔ سدی بیان شده است که افراد ظالم قادر به کنارزدن آن مانع نیستند؛ به این ترتیب، از هدایت خداوند محروم می‌مانند (قدرتی نوع اول).

۵-۱۵- طرحوارهٔ قدرتی در مفهوم‌سازی ترک بخل

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ﴿حشر: ۹﴾

«و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌های‌شان حسدی نمی‌یابند و هرچند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ایشانند که رستگارانند.»

از این آیه برداشت می‌شود که ترک بخل و طمع انسان را به فلاح می‌رساند، اما داشتن این صفات ناپسند انسان را به نابودی می‌کشاند. این صفات موانع رسیدن به رستگاری هستند و اگر کسی نتواند آنها را کنار بزند، پشت سد می‌ماند. انسان با مقدم‌داشتن احتیاج دیگران بر نیازهای خودش می‌تولند این مانع را کنار بزند و از سد آن عبور کند و به فلاح برسد. طرحوارهٔ قدرتی کنارزدن مانع متصور می‌شود (قدرتی نوع سوم). در آیهٔ (۱٦) سورهٔ تغابن نیز به این امر اشاره شده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند آنان رستگارانند.»

در جدول زیر تحلیل مقایسه‌ای نهایی انواع طرحواره‌های تصویری استفاده‌شده در مفهوم‌سازی صفات اخلاقی ارائه شده است:

صفات اخلاقی	طرحوارهٔ حرکتی	طرحوارهٔ حجمی	طرحوارهٔ قدرتی
کبر و غرور	✓	✓	✓
فسق	✓	-	✓
تواضع و فروتنی	✓	✓	-
بخل	✓	✓	-
ترک بخل	-	-	✓
وفای به عهد	✓	✓	-
تمسخر	✓	-	-
اهانت به والدین	-	✓	-
صدق	-	✓	-
انفاق	-	✓	-
عدل	-	✓	-
حسد	-	✓	-
ظلم	-	-	✓
لجاجت	-	✓	-
شرم	✓	-	-

با توجه به جدول بالا، قرآن کریم برای مفهوم‌سازی فضیلت‌های اخلاقی (مانند تواضع، وفای به عهد، انفاق، عدل و صداقت) عمدتاً از طرحوارهٔ حجمی و گاهی حرکتی بهره برده است تا این مفاهیم انتزاعی را با تجربه‌های حسی و مادی مخاطب ملموس و قابل درک کند. در مقابل، برای صفات منفی و رذائل اخلاقی مانند کبر، فسق و ظلم بیشتر از طرحوارهٔ قدرتی استفاده کرده است تا آنها را به عنوان موانع و محدودیت‌هایی که انسان باید بر آنها غلبه کند مفهوم‌سازی کند. استفادهٔ ترکیبی از چند طرحواره (مانند کبر و غرور) باعث تأکید و برجسته‌سازی مفاهیم شده است و تأثیر بیشتری بر ذهن

مخاطب دارد. این تحلیل و مقایسه اهمیت و کارایی نظریهٔ طرحواره‌های تصویری را در درک و مفهوم‌سازی آموزه‌های اخلاقی قرآن به‌وضوح نشان می‌دهد.

٦- نتیجه‌گیری

استفاده از طرحواره‌های تصویری در قرآن کریم نقشی مؤثر در تسهیل فهم مفاهیم اخلاقی و انتقال آموزه‌های اخلاقی دارد. با استفاده از این طرحواره‌ها، مخاطب به طرزی ملموس‌تر مفاهیم انتزاعی را درک می‌کند و به این ترتیب، پیام‌های اخلاقی قرآن به صورتی عمیق‌تر و مؤثرتر به وی منتقل می‌شوند. طرحواره‌های تصویری به مخاطب کمک می‌کنند تا مفاهیمی مانند کبر و غرور را به عنوان موانع حقیقی و ملموس در مسیر رشد اخلاقی بشناسد و در عین حال، فضائلی همچون تواضع، صداقت، و انفاق را در قالب تجربیات حسی و عینی درک کند. در حقیقت، قرآن با به‌کارگیری این طرحواره‌ها، فرآیند هدایت اخلاقی مخاطب را تسهیل و او را برای پذیرش و اجرای عملی آموزه‌های اخلاقی در زندگی روزمره آماده می‌کند؛ بنابراین، طرحواره‌های تصویری علاوه بر کارکرد زبان‌شناختی و مفهوم‌سازی، نقشی تربیتی و هدایتی نیز دارند و به عنوان ابزاری کارآمد، تأثیرگذاریِ اخلاقی و تربیتیِ قرآن را در زندگی عملی مخاطبان تقویت می‌کنند.

با توجه به پژوهش انجام‌شده در سور مسبحات با طرحواره‌های تصویری مفاهیم انتزاعی فسق، تواضع و فروتنی، بخل، ترک بخل، وفای به عهد، کبر و غرور، تمسخر، اهانت به والدین، صدق، انفاق، عدل، حسد، شرم، ظلم و لجاجت با امور مادی و قابل ملموس بشری کالبدینه شده‌اند تا درک آنها برای مخاطب آسان شود.

از هر سه طرحوارهٔ حجمی، حرکتی و قدرتی در مفهوم‌سازی صفات اخلاقی سور مسبحات بهره گرفته شده است. برای بعضی از صفات از تلفیق هر سه طرحواره استفاده شده و به این طریق، نوعی برجسته‌سازی انجام شده است.

صفات اخلاقی فسق و ظلم در سور مسبحات به عنوان موانعی در مسیر انسان معرفی شدند که سبب می‌شوند انسان از اطاعت، شکرگزاری خدا و قرارگرفتن در مسیر درست باز ماند و از هدایت محروم شود.

صفات اخلاقی ارزشی پسندیده‌ای که برای نمونه در آیات با طرحوارهٔ تصویری حجمی مفهوم‌سازی شده‌اند تا از معانی پنهان آنها پرده برداشته شود، صدق، انفاق و عدل هستند. صدق همانند مکانی محصور تداعی شد که فرد صادق درون آن قرار می‌گیرد و تمامش را در بر می‌گیرد. عدل به مثلبهٔ ترازویی تجسم یافت تا انسان درک کند برابری چیست و نمود آن چگونه است. انفاق در راه خدا کاری ارزشمند است که سبب افزایش روزی و مال می‌شود و اجر خدا را در پی دارد.

از جملهٔ صفات اخلاقی ناپسند که در این آیات با طرحوارهٔ تصویری حرکتی تجسم یافتند تا خواننده آنها را بهتر درک کند کبر و بخل هستند. کبر کاری بیهوده معرفی شده است، همانند نرسیدن قد انسان به طول کوه. بخل هرچند در ظاهر به گردآوری مال می‌انجامد، عملی ناپسند است که سرزنش خدا و مردم را در پی دارد و باعث ضعف انسان می‌شود.

خداوند برخی از صفات اخلاقی را در سور مسبحات با طرحواره‌ها جان داده است تا انسان اثرات هر یک را بهتر درک کند و دریافت مفاهیم ذهنی برایش میسر باشد.

منابع

قرآن کریم

ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغه*. بی‌جا: دارالفکر.

اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). *تفسیر شریف لاهیجی* (چاپ اول). تهران: دفتر نشر داد.

اعتصامی، سیده زهرا، و آل رسول، سوسن. (۱۳۸۹ش). سوره‌شناسی مسبَحات. *فصلنامهٔ مطالعات قرآنی*، *۱*(۱)، ۲۹-٥٤.

https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage

امین، نصرت‌بیگم. (بی‌تا). *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن* (چاپ اول). بی‌جا، بی‌نام.

بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳٦٦ش). *تفسیر جامع* (چاپ ششم). تهران: کتابخانهٔ صدر.

پاشایی، محمدرضا، تقی‌زاده، هدایت‌الله، و دهقانی یزدی، هادی. (۱٤۰۰ش). بررسی طرحوارهٔ تصویری سورهٔ یوسف (ع) بر مبنای نظریهٔ زبان‌شناسی شناختی. *نشریهٔ پژوهش‌های ادبی ـــــ قرآنی*، ۹(۲)، ۲۱-۵۰. https://paq.araku.ac.ir/article_248922.html

توکل‌نیا، مریم، و حسومی، ولی‌الله. (۱۳۹۵ش). بررسی طرحواره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن با تکیه بر نظریهٔ جانسون در معناشناسی شناختی. *دوفصلنامهٔ تصویرپژوهی*، ۳(۵)، ٤٦-۸۰. https://quran.azaruniv.ac.ir/article_13633.html

جانی‌پور، محمد، و لطفی، مهدی. (۱۳۹٦ش). نقش اخلاقی آیات قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء*، ۱۲(۲)، ۵۳-۲۷. https://doi.org/10.22051/tqh.2015.1867

جعفری، یعقوب. (۱۳۷٦ش). *تفسیر کوثر* (چاپ اول). قم: مؤسسهٔ انتشارات هجرت.

حائری یزدی، محمدحسن. (۱۳۸٤ش). *آشنایی با اخلاق اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

حسینی همدانی، محمد. (۱٤۰٤ق). *انوار درخشان در تفسیر قرآن* (چاپ اول). تهران: بی‌نا.

حجتی، محمدباقر. (۱۳٦۸ش). *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*. تهران: انتشارات اسوه.

خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۸٤ش). *تفسیر نور*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ق). *تفسیر خسروی* (چاپ اول). تهران: کتابفروشی اسلامیه.

دستلان، مرتضی. (۱۳۹۳ش). *تحلیل زبان فارسی، وجه و نمود در زبان فارسی بر اساس زبان‌شناسی شناختی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور تهران].

ذاکری، اسماعیل. (۱۳۹٦ش). *استعاره‌های مفهومی در اشعار سلمان هراتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر.

راستگو، کبری، و صالحی، ملیحه. (۱۳۹۷ش). *بررسی طرحوارهٔ تصویری قدرتی در گفتمان قرآنی با رویکرد زبان‌شناسی شناختی*. سومین همایش ملی زبان، ادبیات و بازشناسی مشاهیر و مفاخر. https://civilica.com/doc/894836

راغب، محمد. (۱٤۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن* (صفوان عدنان للداودی، المحقق؛ چاپ اول). دمشق: الناشر: دار القلم، الدار الشامیة.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱٤۰۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. قم: دارالمکتبه المرتضویه.

روشن، بلقیس، و اردبیلی، لیلا. (۱۳۹۱ش). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. تهران: چاوشگران نقش اول.

زحیلی، وهبه. (۱٤۱۱ق). *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج* (چاپ دوم). دمشق: دار الفکر.

سلیمی، فاطمه، علی نتاج، زهرا. (۱۳۹٦ش). کارکرد طرحواره‌های تصویری در مفاهیم تربیت اخلاقی قرآن. *سراج منیر*، ۸(۲۹)، ۵۷-۸۵. https://doi.org/10.22054/ajsm.2018.17889.1235

سیوطی، جلال الدین. (۱٤۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. لبنان: دارالکتب العربی.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱٤۰٦ق). *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*. بیروت: دار الأضواء.

طباطبایی، محمدحسین. (۱٤۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن* (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). *تفسیر المیزان*.

بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱٤۱۲ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر. (۱٤۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)* (چاپ اول). بیروت: دارالمعرفهٔ.

طیب، عبدالحسین. (۱۳٦۹ش). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن* (چاپ دوم). تهران: بی‌نا.

علی‌نتاج، منصور. (۱۳۹٦ش). *کارکرد طرحواره‌های تصویری در گفتمان قرآنی (مطالعهٔ موردی رذائل اخلاقی)*. [پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان].

فراهیدی، خلیل. (بی‌تا). *العین*. بی‌جا: دار و مکتبه الهلال.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰ش). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.

قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱٤۱۲ق). *قاموس قرآن* (چاپ ششم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۵ش). *تفسیر احسن الحدیث* (چاپ دوم). تهران: بنیاد بعثت.

قمی مشهدی، محمد (۱۳٦۸ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب* (چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

لیکاف، جورج، و جانسون، مارک. (۱۳۹٤ش). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم* (هاجر آقا ابراهیمی، مترجم؛ چاپ اول). تهران: نشر علم.

معرفت، محمد هادی. (۱٤۲۸ق). *التمهید فی علوم‌القرآن*. قم: مؤسسهٔ فرهنگی انتشاراتی التمهید.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه* (چاپ دهم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مغنیه، محمدجواد. (۱٤۲٤ق). *التفسیر الکاشف* (چاپ اول). قم: دار الکتاب الإسلامی.

محمدی، مجید، و جمشیدی، فرشته. (۱۳۹۹ش). بررسی طرحواره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی در جزء سی‌ام قرآن کریم. *فصلنامهٔ مطالعات ادبی متون اسلامی*، ۵(۲)، ص ٦۷-۸۸. https://www.doi.org/10.22081/jrla.2020.58777.1297

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸ش). *مبانی شناخت* (چاپ دوم). قم: مؤسسهٔ علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.

محمدی آسیابادی، علی، صادقی، اسماعیل، و طاهری، معصومه. (۱۳۹۱ش). طرحوارهٔ حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی. *پژوهش‌های ادبی عرفانی*، ٦(۲)، ۱٦۲-۱۲۱. https://jpll.ui.ac.ir/article_16420.html

مصطفوی، حسن. (۱۳٦۸ش). *التحقیق فی کلمات القران الکریم* (چاپ اول). بی‌جا: بی نا.

مهدوی دامغانی، علی. (۱۳۹۷ش). *تابش حق (تفسیر سورهٔ حشر)*. تهران: دلیل ما.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۲ش). *فلسفهٔ اخلاق*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

نووی، محمد. (۱٤۱۷ق). *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید* (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیهٔ، منشورات محمد علی بیضون.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (بی‌تا). *فرهنگ قرآن*. بی‌جا: بی‌نا.

Bibliography

The Holy Quran

Alinataj, M. (2017). *The Function of Visual Schemas in Quranic Discourse (Case Study of Moral Vices)* [Master's thesis, University of Isfahan]. [In Persian]

Amin, N. B. (n.d.). *Tafsir al-Makhzan al-Irfan in the Sciences of the Quran* (1st ed.). [In Persian]

Ashkevari, M. I. A. (1994). *Tafsir Sharif Lahiji* (1st ed.). Tehran: Dob Eshar Dad. [In Persian]

Boroujerdi, M. I. (1987). *Comprehensive Commentary* (6th ed.). Tehran: Sadr Library. [In Persian]

Dastalan, M. (2014). *Analysis of Persian*

Cambridge: Cambridge University Press.
Lakoff, G., & Johnson, M. (2015). *Metaphors We Live By* (H. Agha Ebrahimi, Trans.; 1st ed.). Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
Mahdavi Damghani, A. (2018). *Tabesh Haqq (Interpretation of Surah Hashr)*. Tehran: Daalima Ma. [In Persian]
Makarem Shirazi, N. (1992). *Sample Interpretation* (10th ed.). Tehran: Islamic Books Dar. [In Persian]
Marefat, M. H. (2007). *Al-Tamhid fi Ulum al-Quran*. Qom: Al-Tamhid Cultural Publishing Institution. [In Arabic]
Mesbah Yazdi, M. T. (2003). *Philosophy of Ethics*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
Moghnieh, M. J. (2003). *Al-Tafsir al-Kashif* (1st ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
Mohammadi Asiabadi, A., Sadeghi, I., & Taheri, M. (2012). Volumetric Design and Its Application in Expressing Mystical Experiences. *Mystical Literary Research*, 6(2), 121–162. [In Persian]. https://jpll.ui.ac.ir/article_16420.html
Mohammadi Ray Shahri, M. (2009). *Fundamentals of Knowledge* (2nd ed.). Qom: Dar Al-Hadith Scientific and Cultural Institute. [In Persian]
Mohammadi, M., & Jamshidi, F. (2019). A Study of Visual Schemas and Conceptual Metaphors in the Thirty-second Juz' of the Holy Quran. *Quarterly of Literary Studies of Islamic Texts*, 5(2), 67–88. [In Persian]. https://www.doi.org/10.22081/jrla.2020.58777.1297
Mustafavi, H. (1989). *Investigation into the Words of the Holy Quran* (1st ed.). Bija: Bina. [In Arabic]
Nawi, M. (1996). *Marah Labid to Discover the Meaning of Al-Qur'an al-Majid* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya. [In Arabic]
Pashaei, M. R., Taghizadeh, H., & Dehghani Yazdi, H. (2021). Study of the Visual Scheme of Surah Yusuf (AS) Based on the Theory of Cognitive Linguistics. *Journal of Literary-Quranic Studies*, 9(2), 21–50. [In Persian]. https://paq.araku.ac.ir/article_248922.html
Qomi Mashhadi, M. (1989). *Interpretation of the Treasure of Minutes and the Sea of Language, Aspect and Manifestation in Persian Language Based on Cognitive Linguistics* [Master's thesis, Payam Noor University of Tehran]. [In Persian]
Etesami, S. Z., & Aal-e-Rasoul, S. (2010). Surah Al-Musbahat. *Quarterly Journal of Quranic Studies*, 1(1), 29–54. [In Persian]. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage
Farahidi, Kh. (n.d.). *Al-Ain*. Bija: Dar and Maktaba Al-Hilal. [In Arabic]
Ghaeminia, A. (2011). *Cognitive Semantics of the Quran*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
Haeri Yazdi, M. H. (2005). *Introduction to Islamic Ethics*. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. [In Persian]
Hashemi Rafsanjani, A. (n.d.). *Quranic Culture*. Bija: Bina. [In Persian]
Hojjati, M. B. (1989). *A Research in the History of the Holy Quran*. Tehran: Osvah Publications. [In Persian]
Hosseini Hamedani, M. (1984). *Anvar Derakhshan in Tafsir Qur'an* (First Edition). Tehran: Bina. [In Persian]
Ibn Faris, A. (1979). *Dictionary of Language Standards*. Bija: Dar al-Fikr. [In Arabic]
Jafari, Y. (1997). *Tafsir al-Kawthar* (1st ed.). Qom: Hijrat Publishing House. [In Persian]
Jani Pour, M., & Lotfi, M. (2017). The Moral Role of the Verses of the Holy Quran in Developing a System of Individual and Social Guidance. *Research in the Sciences of the Quran and Hadith*, 12(2), 27–53. [In Persian]. https://doi.org/10.22051/tqh.2015.1867
Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*. Chicago: University of Chicago Press.
Khoramdel, M. (2005). *Tafsir Noor*. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]
Khosravani, A. (1970). *Tafsir Khosravi* (1st ed.). Tehran: Islamic Bookstore. [In Persian]
Lakoff, G. (1987). *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
Lakoff, G. (1993). The Contemporary Theory of Metaphor and Thought. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (pp. 202–251).

Wonders (1st ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

Qurashi Banabi, A. A. (1991). *Dictionary of the Quran* (6th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]

Qureshi Banabi, A. A. (1996). *Tafsir Ahsan al-Hadith* (2nd ed.). Tehran: Baath Foundation. [In Persian]

Ragheb, M. (1992). *Al-Mufardat fi Gharib Al-Qur'an* (S. A. Al-Davoodi, Ed.; 1st ed.). Damascus: Dar al-Qalam. [In Arabic]

Raghib Isfahani, H. I. M. (1982). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Qom: Dar al-Muktaba al-Murtadawiyya. [In Arabic]

Rastgoo, K., & Salehi, M. (2018). Investigating the Image Schema of Power in Quranic Discourse with a Cognitive Linguistics Approach. *Third National Conference on Language, Literature and Recognition of Celebrities and Honorees*. https://civilica.com/doc/894836 [In Persian]

Roshan, B., & Ardebili, L. (2012). *Introduction to Cognitive Semantics*. Tehran: Chavashgaran Naghsh-e-Aval. [In Persian]

Salimi, F., & Ali Netaj, Z. (2017). The Function of Visual Schemas in the Concepts of Moral Education in the Quran. *Siraj Munir*, 8(29), 57–85. https://doi.org/10.22054/ajsm.2018.17889.1235 [In Persian]

Sharif al-Reza, M. I. H. (1985). *Summarizing the Explanation of Punishment in the Qur'an*. Beirut: Dar al-Awat. [In Arabic]

Siyuti, J. (2000). *Proficiency in the Sciences of the Qur'an*. Lebanon: Darul Kitab al-Arabi. [In Arabic]

Tabari, M. I. J. (1992). *Jami al-Bayan in Tafsir al-Qur'an* (1st ed.). Beirut: Dar al-Mareh. [In Arabic]

Tabarsi, F. I. H. (1992). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (3rd ed.). Tehran: Nasser Khosrow. [In Arabic]

Tabatabaei, M. H. (1996). *Tafsir al-Mizan*. Beirut: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]

Tabatabaei, M. H. (1997). *Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an* (5th ed.). Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Association. [In Arabic]

Talmy, L. (2000). *Towards a Cognitive Semantics*. London: Cambridge University Press.

Tavakolnia, M., & Hasoumi, V. (2016). A Study of the Visual Schemas of the Letter "Fi" in the Quran Based on Johnson's Theory in Cognitive Semantics. *Bi-Quarterly Image Studies*, 3(5), 46–80. https://quran.azaruniv.ac.ir/article_13633.html [In Persian]

Tayyab, A. H. (1369*). Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (second edition). Tehran: Bina. [In Persian]

Zakeri, I. (2017). *Conceptual Metaphors in Salman Herati's Poems* [Master's thesis, Persian Gulf University, Bushehr]. [In Persian]

Zaheli, W. (1992). *Al-Tafsir Al-Munir in Al-Aqeedah and Al-Sharia and Al-Manhaj* (second edition). Damascus: Dar al-Fakr. [In Arabic]